بسمه تعالی

قرآن جعبه نور(Lux light box) نهاد اسلام. قسمت هفتم

(تاریخ نشر ۳۱ فروردین ۱۴۰۲ برابر با ۲۹ ام ماه مبارک رمضان ۱۴۴۴ ه.ق. تاریخ بازبینی اول ۱۴۰۲/۲/۳)

سعی و کوشش از تو و اجر جزیل (پاداش بزرگ) و سریع از خدا

(۱۴۰۲/۱/۱۰)

- وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى* وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى- و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست* و نتیجه کوشش او به زودی دیده خواهد شد* سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند * و اینکه پایان کاره سوی پروردگار توست (نجم/۴۲-۴۰)

سعی تو رونق دهد

بازی دنیا دهد

راضی عالم دهد

کل زمین را دهد

بارش باران دهد

عالم و آدم دهد

این سببی است از دعا

تارک دنیا دهد

ساکن عقبی دهد

هرچه برآمد دهد

برتری حق دهد

قول ثقیل هم دهد

سرمه چشم هم دهد

بار ندارد ثواب

کل غنایم دهد

کل سرائر دهد

سنت حق را دهد

عترت و سنت دهد

هر سبدی گل کند

غنچه دیگر دهد

سنبله ارزان دهد

صعومه پرواز دهد

حق ترین حق دهد

عصمت عالم دهد

شوکت دیگر دهد

فطرت آدم دهد

صلح و صفا را دهد

گنجه پر را دهد

سخت نکوشم دهد

سخت بپوشم دهد

دست خدا دست من

دست فرهمند دهد

مرد برهمن دهد

فاصله ها را ببین

فاصله کمتر دهد

راحله بیشتر دهد

بیم ندارم دهد

بیمه ندارم دهد

کار شفاعت دهد

نام شفیع هم برد (و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان ها هستند که شفاعتشان هیچ سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر که بخواهد و بپسندد، اجازه دهد. نجم/۲۶) وگرنه ۰۰. برای نماز نگزاران، طعام به نیازمند ندهنگان، با اهل باطل بطالت کنندگان و نیز منکران روز جزا (مدثر/۴۸-۴۳)

سیر و سلوک هم دهد

فرصت دیگر دهد

اظهر الشمس هم دهد

اهل نار و اهل نور

(۱۴۰۲/۱/۲۱ برابر با با نوزدهم ماه مبارک رمضان)

- مگر می شود خدا نور باشد، کتاب خدا نور باشد (۱)، ۴۳ آیه قرآن اشارت بر نور داشته باشد، سوره نور (۲۴ مین سوره قرآن) با ۷ بار تکرار لفظ نور، بالاترین میزان باشد. آدم به جای اهل نور، اهل نار باشد (۲). اینقدر نار که نور را نبیند. قرآن منور را نبیند. ضد نور باشد، بی نور فرمان نور بدهد، نور خدا را با تاویل و تفسیر به رای کم نور کند! ظلمت پرست باشد. از حق و حقانیت بگوید. از عدالت بگوید.

دست یافتن به نور جز ار راه نور میسر نیست.

این نور کل قرآن است. تکرار ۳۴ بار در قرآن موید نورانیت خداست.

برعکس، لفظ نار ۱۴۵ بار در قرآن تکرار شده است و این یعنی ظلمت از نور در رفتارشناسی آدمها پیشی گرفته است.

هر چند در منابع بنویسند: کلمه نار و نور از نگاه برخی از واژه شناسان عرب به یک ریشه می رسند. وقتی به حیث نور آن نگریسته شود به آن نور گفته می شود و وقتی که به حیث گرمایش آن نگریسته شود به آن نار گفته می شود. وجود الف در نار دلالت بر شعاع و رفعت و برافروختگی دارد (نار- دانشنامه اسلامی،۲۰۱۹).

این تعریف بنظر قیاس مع الفارق است.

زیرا نار هنر کند می تواند یکی از زیرمجموعه های نور خدا باشد.

نور خدا هستی بخش است. هم بر جسم می تابد و هم بر روح. هر چقدر بیشتر منورتر. در حالیکه نار در این دنیا و آن دنیا بیش از حد نصاب باشد مخرب است. آستان سوز است. دامن افروز است.

چقدر دشمنی با نور خدا؟ چقدر تلاش برای خاموش کردن نور خدا؟ چقدر حسرت منافقین برای یک لحظه بیشتر ماندن زیر سایه نور مومنین (۳). قیامت بر ایشان آن روز، روز حسرت است (۴).

اهل نار شدن که هنر نیست. نور بودن هنر است. نور کامل تاباندن هنر است (۵). صبح به صبح با خدا بودن هنر است. نقاشی زیبا هنر است. فیلم هنری هنر است. آوازه دهر هنر است

ورنه از خاک به خاک رفتن صور است

خناس تماما بی هنر است

شبتاب فقط یک هنر است

اهل یمین (سمت راست) یا که یسار (سمت چپ)؟ بودن هنر است

غایت عمر بردن هنر است

اجل عمر معلوم است (۶)

در عمر نماندن هنر است

زبانزد مردم بودن هنر است

محکوم بی هنر است

تبعیض بی وطن است

تهذیب در زمن است

تکریم بر چمن است

یک نور در این عالم

صد نور در آن عالم

این نور به نور عالم

یک نور از او آدم

صد کور بر این آدم

قلبش سیاه آدم

مرگش سیاه آدم

از نور فرار آدم

در کوه قرار آدم

این نار به نار آدم

این نور به نار آدم

چشمه، فرات آدم

دجله، تماس آدم

آدم میدان، آدم

آدم حیران، ماتم

نار خود بودن آدم ماتم

باغ خود بودن آدم آدم

نور کامل به تو گویند آدم (۵)

ورنه گور پدر آدم

چله این آدم

مرده این عالم

زقوم بر این آدم

ذوالنور بر آن آدم

تهدید بر آن آدم

تقدیر بر این آدم

اصحاب خدا آدم

انصار خدا آدم

ملیت ما آدم

محدوده ما آدم

یک روز لباس آدم

یک روز کلاه آدم

فوق مکان آدم

فوق زمان آدم

۱. فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ–پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید و خدا به آنچه می کنید آگاه است (تغابن/۸).

۲. وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِینَ فِیهَا وَبِئْسَ الْمَصِیرُ–وَ کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده اند آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود و چه بد سرانجامی است (تغابن/۱۰).

۳. یَوْمَ یَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِینَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ قِیلَ ارْجِعُوا وَرَاءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً ..–همان روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم. به آنها گفته می‌شود: به پشت سرِ خود بازگردید و نوری به دست آورید..(حدید/۱۳).

۴. یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِکَ یَوْمُ التَّغَابُنِ–روزی که شما را برای روز گردآوری گرد می آورد آن [روز] روز حسرت خوردن است..(تغابن/۹).

۵. .....یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ یَسْعَی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَبِأَیْمَانِهِمْ یَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ– آن روز (قیامت) خدا پیامبر خود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می گویند پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی (۸).

۶. وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ*وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ- و از آنچه روزی شما گردانیده ایم انفاق کنید پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید پروردگارا چرا تا مدتی بیشتر (اجل) مرا به تاخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم* و هر کس اجلش فرا رسد هرگز خدا آن را به تاخیر نمی افکند و خدا به آنچه می کنید آگاه است (المنافقون/۱۱-۱۰).

سوره قلم

(۱۴۰۲/۱/۲۳ برابر با بیست و یکم ماه مبارک رمضان)

- سوره ائی با نام زیبای قلم و ذکر بی قلمان و بی قدممان آدم.

۱. داستان برادران طمعکار: هرچه به زمان برداشت محصول باغ خود نزدیک تر شدند به دادن میوه باغ خود به مردم عادی و رهگذر امساک کردند. تصمیم گرفتند به جای گفتن انشالله (وَلَا يَسْتَثْنُونَ/قلم/۱۸)، اول صبح به برداشت محصول مبادرت بورزند. در نیمه های شب وقتی به نزدیک باغ خود رسیدند با باغی روبرو شدند که آفت زده و زمینش بایر بود. اول فکر کردند باغ را اشتباه آمده اند. اما خردمندترین ایشان گفت آیا به شما نگفتم چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟ توبه کردند اما دیر بود. حداقل برای آن سال دیر بود (قلم/۳۲-۱۷).

سوره حاقه

(۱۴۰۲/۱/۲۳ برابر با بیست و یکم ماه مبارک رمضان)

۲. داستان قوم عاد: آبرو از انسانیت بردند. به رفاه پرداختند. برای خود عمارات با ستون های بلند ارم را ساختند که مانندش در شهرها ساخته نشده بود (فجر/۸-۶). و چون پیامبر خود هود (ع) را تکذیب کردند. سرانجام گرفتار تند بادی طغیانگر و سرد و پر صدا به مدت هفت شب و هشت روز شدند. آن قوم هم چون تنه‌های پوسیده و نخل‌های تو خالی، در میان آن تند باد کوبنده بر زمین افتادند و به هلاکت رسیدند، و همه آنها نابود شدند (حاقه/۹-۶).

۳. داستان قوم ثمود: آبروی دیگری از انسانیت بردند. به خانه‌هایی سنگی خود که در درون کوه‌ها تراشیده شده بودند مغرور شدند (فجر/۱۰-۹). به نصیحت صالح (ع) که به شتر آسیبی نرسانند اعتنا نکردند و آن را کشتند و چون پیامبر خود صالح (ع) را با این خطاها تکذیب کردند. گرفتار صاعقه شدند.

هر قلم یک قدم است

صد قدم یک رقم است

باغ و بستان رقم است

علم آدم علم است

قلمی سوی تو بردند قدم است

فرهی در ادب است

کوتهی بی ادب است

قلم آدم و خاتم قدم است

قلم سوره قرآن قدم است

قلم از دست نیفتد قدم است

هر درخت شامل صدها قلم است

به ثوابش قلم است

به صفاتش قدم است

از عاد نپرسند قلم است

چونکه عاد هم چو ثمود

بی قلم و بی قدم است

سوره نازعات

(۱۴۰۲/۱/۳۱ برابر با بیست و نهم ماه مبارک رمضان)

انا ربکم بهتان است (فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى–فرعون گفت پروردگار بزرگتر شما منم. نازعات/ ۲۴)

به بسم الله، کتمان است

بی سبب نیست کفران است

بی جهت نیست گردان است

به تماشا عریان است

به تقابل شیطان است

دل آدم حیران است

سر آدم ویلان است

خط بطلان زِهدان است

شهر کفران زندان است

درد بی درمان غلتان است

سر شلاق میزان است

به تو این فرصت یکبار است

نصف روز چندان است (كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا– روزی که آن را می بینند گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند. نازعات/ ۴۶)